

بیداری اسلامی و جامعه جهانی مهدوی

ایوب پورقیومی*

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۳/۰۵

چکیده

برخی معتقد به وقوع جهش برای تحقق جامعه مهدوی هستند؛ اما عده‌ای این مهم را حاصل یک فرآیند طبیعی به سمت ظهور می‌دانند. آنچه در تأیید نظر گروه دوم به نظر می‌رسد، این است که گرچه ممکن است در فرآیند تحقق جامعه مهدوی حرکات معجزه‌آسایی نیز اتفاق بیفتد، اما جهت‌گیری کلی این حرکات و همه عوامل آن، یک مسیر طبیعی را طی می‌کنند. بنابراین، از یک سو تمدن مادی و دستگاه استکبار، باید به نقطه اوج رسیده و بالاترین حد اقتدار را پیدا کرده و به نقطه نهایی ظرفیت خود برسد و از دیگر سو، چون بافت این دستگاه با فطرت انسان سازگار نیست، طبیعتاً باید یک نوع ناهماهنگی بین اقتضائات فطری انسان و این تمدن مادی بروز یابد که موجب وقوع یک نارضایتی عمومی از تمدن موجود گردد. این مسیر طبیعی همان چیزی است که الآن در جهان به چشم می‌خورد، یعنی تمدن استکباری به نقطه اوج خود رسیده، اما در عین حال، یک نارضایتی عمومی از باطن جامعه بشری (و حتی در مهد خود این تمدن) نسبت به وضعیت محتوایی و مدیریت فعلی آن در حال شکل‌گیری است. به نظر می‌رسد بیداری اسلامی اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا، که متأثر از الگوی انقلاب اسلامی ایران است، بازتاب این مسأله در جهان اسلام و در عین حال بسترساز مسیری طبیعی برای تحقق جامعه جهانی مهدوی باشد. این پژوهش که از نوع کاربردی است، با روش تحلیل داده‌ها^۱ ضمن تحلیل چرایی وقوع انقلاب‌های اخیر در کشورهای اسلامی، به بررسی بیداری اسلامی و نقش آن در تحقق جامعه جهانی مهدوی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: بیداری اسلامی، جامعه مهدوی، انقلاب اسلامی، جهانی شدن، خاورمیانه، شمال آفریقا

* - دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی؛ ghayoomi@gmail.com

۱. کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

در سال ۲۰۰۰ م. پس از آنکه دکتر «ریما خلف هندی» به سمت معاون دبیر کل سازمان ملل و مسئول برنامه‌های این سازمان در خاورمیانه منصوب شد، برای درک درست وضعیت موجود در خاورمیانه و شناخت صحیح نیازها و مشکلات، کمیته‌ای مشورتی متشکل از روشنفکران و کارشناسان عرب تشکیل شد. در گزارش این کمیته به مشکلات چهارگانه‌ای در خاورمیانه اشاره شد که سه مورد آنها داخلی بود و یک مورد نیز ریشه در خارج داشت. مشکلات داخلی عبارتند از: فقدان آزادی، وضعیت نامناسب زنان و سطح پایین تحقیقات و آموزش؛ مشکل خارجی هم آثار سلبی ناشی از اشغال فلسطین توسط اسرائیل بر جهان عرب است. با توجه به این گزارش، ژنرال پاول وزیر امور خارجه سابق آمریکا در ۲۲ آذرماه ۱۳۸۱ در بنیاد هریتیج در یک سخنرانی، طرح آمریکا برای خاورمیانه بزرگ و علل آن را اعلام نمود.

در ژانویه سال ۲۰۰۳، دیک چنی^۱ در اجلاس سازمان جهانی اقتصاد که در شهر داووس^۲ سویس برگزار شد «استراتژی پیشرو برای آزادی» را مطرح ساخت که دولت آمریکا را متعهد به حمایت از کسانی می‌نمود که در راه اصلاحات در خاورمیانه بزرگ فعالیت می‌نمایند. در نوامبر ۲۰۰۳ نیز دولت بوش طرح خود را برای خاورمیانه بزرگ رسماً اعلام کرد. به دنبال مخالفت شدید کشورهای عربی و عدم استقبال کشورهای اروپایی، این طرح تعدیل شد و در دهم ژوئن ۲۰۰۴ با نام جدید «طرح خاورمیانه گسترده» در نشست گروه هشت در «سی ایسلند»^۳ به تصویب رسید. علی‌رغم تعدیل‌های انجام گرفته، این طرح همچنان با نام اولیه آن، یعنی «طرح خاورمیانه بزرگ معروف شد». (پورقیومی، ۱۳۸۹: ۲۰۰) آمریکا به منظور دستیابی به اهداف خود، طرح را در سه سطح دنبال نمود:

۱- ملت‌سازی: تغییر بافت جمعیتی و الگوی فرهنگی؛ ۲- کشورسازی: تغییر در نقشه

۱- معاون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا.

2- Davos

3- See Island

جغرافیایی منطقه؛ ۳- دولت‌سازی: در چارچوب منطق قدرت و در راستای «رسالت تغییر حکومت‌ها» (زروندی، ۱۳۸۲: ۱۹۵)

تهاجم نظامی به افغانستان و عراق و ساقط کردن طالبان و صدام، آغاز مرحله اول طرح خاورمیانه بزرگ، یعنی دولت‌سازی در منطقه خاورمیانه قدیم را معنا بخشید و حضور آمریکا در عراق، آغاز طرح کلان آمریکا برای خاورمیانه بود (امینیان، ۱۳۸۳: ۹). آمریکایی‌ها درصدد بودند با ساقط کردن دولت‌های شوروی، دولت‌های همراه با خود را جایگزین آنها نمایند. اما دیری نگذشت که متوجه شدند پروژه دولت‌سازی نه تنها به شکل‌گیری و روی کار آمدن دولت‌های همسو نمی‌انجامد، بلکه فرصتی را برای اسلام‌گرایان فراهم می‌سازد تا با استفاده از آن، به صورت دموکراتیک، از نردبان قدرت بالا روند. پیروزی احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا و مخالف سلطه غرب در انتخابات‌های کشورهای مختلف منطقه، موفقیت حزب‌الله در انتخابات پارلمانی لبنان و مشارکت در دولت این کشور، پیروزی حماس در فلسطین و...، از یک سو طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا را در اولین گام خود با مانع بسیار بلندی روبه‌رو ساخت و از سوی دیگر بیداری اسلامی را در منطقه تشدید نمود و این مهم نه تنها با اهداف و راهبردهای خاورمیانه‌ای نظام سلطه مغایرت داشت، بلکه منافع آنان را نیز به خطر انداخت. به همین دلیل با تغییر در تاکتیک خود، طرح خاورمیانه جدید را با برنامه‌ریزی حمله اسرائیل به حزب‌الله لبنان طراحی نمودند (نک: پورقیومی، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۱۸). بنابراین باید گفت که آمریکا از سال ۲۰۰۶ پروژه دموکراسی‌سازی را تعطیل کرد و نمی‌توان ادعا کرد که تحولات اخیر کشورهای عربی-اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا نقشه آمریکاست و خود آمریکا نیز در این مورد دچار غافلگیری استراتژیک گردیده است. (اسداللهی، ۱۳۹۰)

از سویی خیزش‌های اسلامی مردم در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که در آنها ضدیت با استکبار جهانی به رهبری آمریکا و انزجار و تنفر از رژیم صهیونیستی موج می‌زند، تداعی کننده این امر است که به تعبیر مقام معظم رهبری جهان بر سر پیچ تاریخی بزرگی قرار دارد. این پیچ تاریخی می‌تواند بازگشت به سمت تمدن جهانی اسلام و در افق روشن آن، زمینه سازی برای جامعه جهانی موعود آخرالزمان «عج» باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که نسبت این تحولات با جامعه جهانی مهدوی چیست؟

۲-۱. بیان مسأله

تاریخ روابط بین الملل همواره شاهد ظهور، عروج و سقوط قدرت‌های کوچک و بزرگ بوده است. در تحولات تاریخ جهانی، قدرت‌هایی که نظم سیاسی و اقتصادی جهان را در دست داشتند بر سایر قدرت‌ها و ملت‌ها مسلط می‌شدند و کشورهایی که آمادگی و توانایی مادی و معنوی لازم را نداشتند محکوم به نابودی و یا تسلیم بوده‌اند. تجارب تاریخی نشان می‌دهد که امپراطوری‌های عظیمی به قدرت رسیده و پس از چندی جای خود را به قدرت دیگری سپردند و قدرت بدین صورت دست به دست گشته است و این جابه‌جایی قدرت از سنت‌های تاریخ و اجتماع بشری است.

بنابراین بدیهی است در آینده نه چندان دور، با قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی جدیدی در عرصه جهانی روبه‌رو شویم که جایگزین نظام فعلی و قدرت‌های کنونی گردند (ازغندی، ۱۳۷۰: ۱۲۱). در گذشته زنجیره‌ای از رویدادها پدید آمد و به پیدایش نظام سرمایه‌داری جهانی کنونی انجامید. کاپیتالیسم، امپریالیسم و نظام سلطه شکل گرفت و ساختار نظم جهان را از بنیان دگرگون ساخت. در این روند دو نوع گذار اتفاق افتاد یکی در غرب که گذار از جامعه ساده و سنتی به جامعه پیچیده و جدید بود. اسپنسر و دورکیم فرآیند تکامل اجتماعی و توسعه جامعه‌های انسانی را حرکت در جهت پیچیدگی بیشتر می‌دانند. جامعه‌هایی که امروزه جهان سوم نامیده می‌شوند تا دوره بعد از جنگ جهانی دوم چندان مورد توجه نبودند از این رو گذار دوم، گذار جهان سوم پس از جنگ جهانی دوم باشد (رایان روکس، ۱۳۶۹: ۲۶). این کشورها در گذشته چندان در نظام جهانی منشا اثر نبوده و در تصمیم‌گیری‌ها دخالتی نداشته‌اند ولی اکنون نقش مهمی ایفا می‌کنند (مرادزاده، ۱۳۸۹: ۹۱-۹۲). تحولات جدید در سایه بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز مرحله گذار دیگری در منطقه و بلکه در سطح جهانی است اما متفاوت از روند گذشته و مبتنی بر بعد جهانی اسلام.

بر همین اساس، یکی از مباحثی که امروزه به صورت جدی مطرح می‌شود، بحث جهانی‌شدن است و می‌دانیم حکومت مهدی «عج» نیز حکومت جهانی است. قیام او فلسفه‌ای جهانی دارد و الگوی اسلامی جهانی‌شدن را می‌توان همان حکومت مهدی «عج» دانست. اگر بخواهیم شناخت مناسبی از مهدویت به دست آوریم، یک راه این است که عللی که ضرورت

مهدویت را ایجاب کرده، بررسی کنیم. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل ضرورت موعود جهانی، همان فلسفه بعثت انبیا - که فلسفه خلقت نیز هست - باشد (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۹ - ۷۳). فلسفه خلقت، عبادت و عبودیت است و حقیقت عبودیت، تقرب به خداست و فلسفه بعثت نیز طبق آیات متعددی از قرآن کریم، توحید و عدالت اجتماعی معرفی شده که مطابق شرح دقیق شهید مطهری، عدالت نیز برای توحید است (همان: ۷۴ - ۸۵) و مهم‌ترین ضرورت قیام موعود جهانی نیز پر کردن زمین از عدل و قسط است (سوزنجی، ۱۳۸۳: ۶۴).

با نگاهی به ویژگی‌های تحولات اخیر در منطقه، تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری بر بیداری اسلامی و ضرورت توجه به حوادث اخیر در کشورهای اسلامی که دارای ماهیت و تبار اسلامی هستند، وظیفه سنگینی را بر دوش ما می‌گذارد. این تحولات می‌تواند لازمه تحقق خاورمیانه اسلامی به عنوان آرمان استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و آن هم به نوبه خود می‌تواند مقدمه تشکیل امت اسلامی و تمدن نوین آن با نگاهی به جامعه جهانی مهدوی باشد. حال، مسأله این است که نسبت علل اصلی تحولات اخیر در کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا با جامعه جهانی مهدوی به خوبی روشن نیست. بنابراین نیاز است تا این تحولات موشکافی گردیده و با مذاقه بیشتر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند.

۱-۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

انجام این تحقیق در شرایط فعلی هم دارای اهمیت علمی (نظری) است و هم عملی (کاربردی). عدم شناخت صحیح از علل واقعی بیداری اسلامی در منطقه عربی و اسلامی و نسبت آن با جامعه جهانی مهدوی، دارای آثار سوء و پیامدهای منفی است و شناخت و درک صحیح از آنها فرصت‌های قابل توجهی را فرا روی جهان اسلام قرار می‌دهد.

علاوه بر این مواردی را که در چارچوب اهمیت و ضرورت می‌توان ذکر کرد عبارتند از:

۱. تأکید مقام معظم رهبری بر مسأله بیداری اسلامی و ضرورت توجه به این حادثه بزرگ در سطح منطقه و جهان و ضرورت واکاوی علمی آن.
۲. سیاست‌های برتری طلبانه آمریکا و تلاش سیاستمداران این کشور برای ایجاد انحراف در مسیر بیداری اسلامی.

۳. نگاه شیعه به مسأله آخرالزمان و ظهور منجی بشریت «عج»، به ویژه پس از بیداری اسلامی اخیر در منطقه و توجه ملت‌های به پا خاسته در جهان اسلام به الگوی حکومت اسلامی در ایران.

۴-۱. اهداف تحقیق

در این تحقیق اهداف زیر دنبال خواهند شد:

۱-۳-۱. بازشناسی ویژگی‌های جامعه جهانی مهدوی

۲-۳-۱. تبیین ویژگی‌های بیداری اسلامی

۳-۳-۱. تطبیق ویژگی‌های بیداری اسلامی با ویژگی‌های جامعه جهانی مهدوی

۵-۱. سؤال‌های تحقیق

۱-۴-۱. ویژگی‌های جامعه جهانی مهدوی کدامند؟

۲-۴-۱. بیداری اسلامی اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشد؟

۳-۴-۱. ویژگی‌های بیداری اسلامی چگونه با ویژگی‌های جامعه جهانی مهدوی قابل تطبیق

است؟

۶-۱. متغیرها

متغیر مستقل: جامعه جهانی مهدوی

متغیر وابسته: بیداری اسلامی

۷-۱. فرضیه تحقیق

از آنجا که برخی ویژگی‌های بیداری اسلامی همچون اسلام‌گرایی، استکبارستیزی، مقابله با ظلم، فساد، بی‌عدالتی و فقر در فلسفه قیام موعود آخرالزمان «عج» نیز دیده می‌شوند، بنا بر این به نوعی می‌توان حرکت بیداری اسلامی را در زمینه‌سازی تحقق جامعه جهانی مهدوی تأثیرگذار دانست.

۸-۱. چارچوب نظری

برای تبیین چارچوب نظری بحث، از دکترین ام‌القری استفاده شده است. این نظریه که خاستگاه اصلی آن مکتب واقع‌گرایی بود از دو ستون اصلی تشکیل شده است. اول اینکه ما قصد داریم کشورمان را بر اساس یک نظام و نظر اسلامی بسازیم تا کشور پیشرفته و آبادی داشته باشیم. خواسته دیگر نیز این است که ما به هیچ عنوان نمی‌خواهیم حیثیت اسلامی خود را فراموش کنیم. ما بخشی از جهان اسلام هستیم و جهان اسلام نیز محدوده جغرافیایی خاصی ندارد.

خلاصه دکترین فوق بر حسب اهمیت به ترتیب ذیل می‌باشد (لاریجانی، ۱۳۸۶: ۸):

الف: ملاک وحدت در فلسفه ام‌القری، وحدت در انجام وظیفه اسلامی است، چرا که در این حاکمیت امتی مسئول با رهبری مسئول جمعا در سرزمینی به عنوان ام‌القری هسته مرکزی حکومتی را تشکیل می‌دهند که برد جهانی دارد.

ب: ولایت فقیه و حکومت ولایت فقیه، اساس و جوهر تشکیل حکومتی اسلامی در ام‌القری است. عامل وحدت اسلامی همان رهبری ولایت فقیه است.

ج: مرزهای قراردادی و بین‌المللی جغرافیایی اثری در این رهبری ندارد. جهان اسلام امت واحده است. ولایت فقیه و حیطه مسئولیت آن قابل تقسیم به کشورها نیست، مسئولیت رهبری امت اسلام مرزی نمی‌شناسد.

د: کشوری «ام‌القری» جهان اسلام شناخته می‌شود که دارای رهبری گردد که در حقیقت لایق رهبری جهان اسلام باشد.

ه: حال اگر میان دو سمت تعیین رهبری انقلاب و حکومت ایران با رهبری امت اسلامی و نهضت جهانی اسلام در عمل، تراحمی به وجود آید باید کدام را بر دیگری اولویت داد؟ کدام اصل است و کدام فرع و نحوه حل تعارض بین آن دو چیست؟ نظریه ام‌القری در حقیقت برای پاسخ عملی بدین سؤال عرضه شده است: همواره مصالح امت اولویت دارد مگر اینکه هستی ام‌القری که حفظ آن بر همه امت (و نه تنها مردم ام‌القری) واجب است، به خطر افتد.

و: ام‌القری در صورتی که به حقوق امت تجاوز شود، می‌خروشد و با توانایی خود سعی می‌کند حق امت را بگیرد، لذا به همین دلیل قدرت‌های جهانی سعی می‌کنند آن را در هم شکسته و نابود سازند تا دیگر سدی بر سر راه امیال آنها نباشد و در اینجاست که وظیفه امت شروع می‌شود و آن حفاظت و حمایت از ام‌القری می‌باشد.

۲. روش تحقیق

در این پژوهش از روش اسنادی استفاده شده و به شواهد برگرفته از مطالعه اسناد، مانند: آرشیوها و آمارهای رسمی استفاده شده است و اطلاعات و نتایجی که توسط نویسندگان و پژوهشگران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم گردیده، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۳. تعاریف و مفاهیم

۳-۱. بیداری اسلامی

منظور از بیداری اسلامی سلسله حرکت‌های اسلامی، مردمی و ضد استکباری و ضد صهیونیستی است که اخیراً علیه حکومت‌های دیکتاتوری در کشورهای اسلامی-عربی خاورمیانه و شمال آفریقا به وجود آمده و در برخی کشورها به فروپاشی حاکمیت و روی کار آمدن سیستم جدید منجر شده و در برخی نیز در حال ادامه و پیشروی است.^۱

۳-۲. جهانی شدن

«جهانی شدن^۲ یعنی یکسان شدن و یا مشابه شدن دنیا. این حادثه به طرق گوناگون چون توسعه ماهواره‌ها، گسترش رایانه‌ها، افزایش رسانه‌ها، به ویژه ازدیاد کانال‌های تلویزیونی صورت می‌گیرد» (آکسفورد، ۱۳۷۸: ۳۴). این پدیده‌ای چند بعدی است و اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... را در بر می‌گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم‌رنگ می‌شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم می‌گردد» (رجایی، ۱۳۸۰: ۴۰). جهانی شدن را می‌توان گسترش ارتباطات جهانی، سازماندهی زندگی اجتماعی در مقیاس جهانی و افزایش آگاهی جهانی و در نتیجه استقرار و تثبیت جامعه جهانی دانست (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۷).

۱- در زمان نگارش این سطور این حرکت انقلابی در تونس، مصر و لیبی به سقوط حاکمیت انجامیده (البته هنوز بقایای رژیم سابق به طور کامل از قدرت کنار نرفته‌اند)، در بحرین توسط رژیم آل خلیفه و با کمک ارتش عربستان و چند کشور عربی سرکوب شده اما اعتراضات همچنان ادامه دارد و حرکت انقلابی یمن با اسقاط علی عبدالله صالح، روندی رو به جلو دارد.

2- Globalization

۳-۳. جامعه جهانی مهدوی

این تعبیر ناظر بر جهان‌شمولی حکومت امام زمان «عج» است که با توجه به آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام دارای بعد جهانی بوده و واژه «جامعه جهانی» حقیقی در زمان ایشان تحقق خواهد یافت.

۴. ویژگی‌های جامعه جهانی مهدوی

در توصیف و تبیین مؤلفه‌های جهانی‌سازی مهدوی که همان حکومت جهانی اسلام است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴-۱. وحدت و یکپارچگی

در جامعه جهانی اسلام، برابری همگان در پیشگاه قانون و برخورداری برابر از امکانات موجود بر محوریت اندیشه توحید محور، به ایجاد قانون واحد و روش واحد قانون‌گرایی و قانون‌گذاری می‌انجامد و جامعه چندپاره را به وحدت و یک‌رنگی می‌رساند. در همین زمینه امام صادق «ع» این حکومت را چنین معرفی می‌کند: ای مفضل سوگند به خدا که او [مهدی «عج»] اختلاف میان ملت‌ها و ادیان را بر می‌چیند و دین، «واحد» می‌شود (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۴۵).
«یرضی بخلافه السماوات و الارض؛ یحبّه اهل السماوات و الارض». حکومت جهانی اسلام، حکومتی است که آسمان و زمین، هر دو اظهار رضایت و خشنودی می‌کنند و عرشیان و فرشیان، آن‌را دوست دارند، حکومتی که نتیجه و برکات آن برای همه، حتی مردگان، فرج و گشایش است. در سایه این وحدت و یکپارچگی، اطاعت از امام زمان «عج» در حکومت جهانی‌اش، خالص و کامل است. در حدیث آمده است: «وَيَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَ يَكُونُهُ مَا يُرِيدُ مِنْهُمْ». یعنی: با جانشان امام را در جنگ‌ها یاری می‌کنند و هر دستوری به آنها بدهد، انجامش می‌دهند. (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶: ۱۸۷)

۴-۲. فراگیر شدن هنجارهای دینی

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» او

کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» (قرآن، توبه: ۳۳).

امام صادق(ع) در تفسیر این آیه شریفه فرموده اند: سوگند به خدا، هنوز تفسیر این آیه تحقق نیافته است. راوی پرسید: فدایت شوم! پس چه زمانی تحقق می‌یابد؟ امام فرمود: وقتی با اراده خدا، قائم قیام کند» (الحویزی، بی تا: ۵۰۷).

در عصر ظهور، مردم به طور بی سابقه به اسلام روی می‌آورند؛ به طوری که همه جا آوای اسلام، طنین انداز می‌شود و آثار مذهبی تجلی می‌کند. به تعبیر برخی روایات، اسلام در هر خانه و خیمه‌ای رخنه می‌کند؛ چنان که سرما و گرما در آن نفوذ می‌نماید. هر چند از نفوذ گرما و سرما جلوگیری نمایند، باز هم نفوذ خواهد کرد و محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اسلام نیز در این روزگار به همه جا، شهر و روستا و دشت و بیابان رخنه کرده و همه جا آوای اسلام طنین انداز می‌شود. در این عصر، استقبال و پذیرش مردم به مظاهر و شعائر دینی، بی سابقه خواهد بود و استقبال مردم به آموزش قرآن، نماز جماعت و نماز جمعه نیز چشمگیر خواهد شد؛ به طوری که در روایت آمده است که در یک مسجد، دوازده بار نماز جماعت خوانده می‌شود و این، دال بر گرایش مردم به مظاهر و مناسک دینی است (طبسی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

در یک حکومت ایده‌آل، امنیت شرط توسعه و لازمه پرداختن به معنویت است. معنویت در حکومت جهانی آخرالزمان (عج) در حد اعلاست. در روایتی آمده است: «رَجَالٌ لَا يَتِمُّونَ اللَّيْلَ لَهْمٌ دَوَىُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَىِّ النَّخْلِ يَبْتُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ؛ مردانی که شب‌ها نمی‌خوابند، در نمازشان چنان اهتمام و تضرعی دارند که انگار زنبوران عسل در کندو و زوز می‌کنند، شب را با نگهبانی دادن پیرامون خود به صبح می‌رسانند» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۳۰۷).

این گستردگی هنجارهای دینی و معنوی تا آنجاست که سطوح مختلف امنیت را نیز شامل می‌گردد. در همین رابطه در حدیث دیگری آمده است: «... حَتَّى تَمُتِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا عَلَى النَّبَاتِ وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْتَهَا لَا يُهَيِّجُهَا سَعْجٌ وَلَا تَخَافُهُ؛ راه‌ها امن می‌شود چنانکه زن از عراق تا شام برود و پای خود را جز بر روی گیاه نگذارد. جواهراتش را بر سرش بگذارد، هیچ درنده‌ای او را به هیجان و ترس نیفکند و او نیز از هیچ درنده‌ای ترسد (صافی گلپایگانی، بی تا: ۴۷۴).

۳-۴. جایگزینی الگوی حکومتی صالحان به جای الگوهای استکباری

منابع دینی اسلام، زمینه‌های تحقق حکومت مهدی را از یک سو با سرخوردگی بشر از الگوهای به ظاهر فریبا و جذاب بشری مرتبط می‌سازد و از سوی دیگر، رشد و کمال عقلانی انسان را مطرح می‌کند (سجادی، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۴۰). بشر تشنه صلح و عدالت، ممکن است برای مدتی سراب را جای آب گیرد و گم شده خویش را در الگوی بشری نظیر لیبرال دموکراسی غرب بجوید؛ اما سرانجام این تجربه به فرجام تلخ و ناکامی در ایجاد عدالت و صلح جهانی روبه‌رو خواهد شد و بشر درمانده را به جستجوی پناهگاه و مأمن جدید هدایت خواهد کرد. این‌جا است که بشر رضایتمندانه از الگوی حکومت جهانی اسلام استقبال خواهد کرد.

در آیه شریفه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»: در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد! (قرآن، انبیا: ۱۰۵). کلمه «یرثها» جنبه جهان‌شمولی دارد؛ یعنی همه حاکمان زمین، عباد صالحین خواهند شد. این مطلب در مزامیر داوود، مزموور (فصل) ۳۷ به این صورت آمده است: «حلیمان وارث زمین خواهند شد.» زبور در اینجا، نه زبور داوود، بلکه به اعتقاد مرحوم طبرسی، مراد مطلق کتاب آسمانی است. از این رو، برخی از مفسران، آیه یاد شده را این گونه ترجمه می‌کنند: «علاوه بر قرآن در زبور هم گفتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!» (گفتمان مهدویت: ۳۷ و ۱۰۴).

وعده یاری و نصرت مستضعفان و خلافت صالحان در سوره نور آیه ۵۵ نیز آمده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَا يُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَا يُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمَّا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ: خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داد که به یقین در روی زمین ایشان را خلیفه کند...».

امام باقر(ع) می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به أحلامهم: زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند دست خود را بر سر بندگان می‌نهد و افکارشان را پیوند می‌دهد و عقل‌هایشان را کامل می‌کند» (اصول کافی، ج ۱: ۲۵). عقلانیتی که در جهانی‌سازی مهدوی فراگیر می‌شود، در تقابل با عقلانیت مدرن است. عقلانیت مدرن،

عقلانیتی بریده و گسسته از وحی است و می‌خواهد جهان را بدون خداوند تبیین و تفسیر کند. تعبیر «وضع الله یده علی رؤوس العباد»، اشاره به این مطلب دارد که این عقلانیت که در دوران مهدی موعود(عج) به رشد و فربهی می‌رسد، زیرا برخاسته از وحی و معارف الهی و در چارچوب و محدوده آن‌هاست (طالبیان، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۹).

۴-۴. ظلم ستیزی و عدالت محوری

عدالت در اندیشه سیاسی اسلام جایگاه اصل اساسی را دارد. اهمیت این مقوله از نظر اسلام به گونه‌ای است که قرآن کریم عدالت را یکی از اهداف ارسال رُسل و انزال کتاب معرفی می‌کند (قرآن، حدید: ۳۱)؛ اما اسلام در ایجاد و استقرار عدالت همواره با موانع جدی از سوی طبقاتی که قرآن آنان را ملأ و مترف معرفی می‌کند، روبه‌رو است.

امام زمان «عج» تنها دنیا را پر از عدل و داد نمی‌کند، بلکه به مردمی تکیه می‌کند که در بنای عدل الهی در سراسر عالم و استقرار آن او را یاری می‌رسانند، لذا یک حکومت ۱۰۰ درصد مردمی بر مبنای مردم سالاری دینی تشکیل می‌دهد (فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۲۷).

روزی که مهدی موعود «عج» قیام کند، به عدالت حکومت می‌کند. در دوران حکومت او، روی زمین از ستم اثری یافت نمی‌شود؛ راهها امن خواهد شد؛ زمین برکات خود را خارج می‌سازد؛ هر حقی به صاحبش بر می‌گردد و روی زمین پیرو هیچ دینی باقی نمی‌ماند، مگر این که اسلام می‌آورد و به ایمان اعتراف می‌کند (شیخ مفید، ۱۳۷۸: ۳۴۳ و ۳۴۴).

پیامبر اکرم «ص» فرمود: «أبشروا بالمهدی (قالها ثلاثا) یخرج علی حین اختلاف من الناس و زلزال شدید، یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً یملاً قلوب عباده عبادةً و یسعهم عدله؛ بشارت دهید به مهدی (و این جمله را سه بار تکرار فرمود) او در هنگام اختلاف مردم با هم و در هنگام لرزه‌های شدید خروج می‌کند، زمین را از قسط و عدالت پر می‌کند، چنان‌که از ظلم و جور پر شده است، قلب‌های بندگان را از عبادت پر می‌کند و عدالت او، آن‌ها را فرا می‌گیرد» (بحار الانوار، ج ۵۱: ۶۸). عدالت، آرزو و دغدغه دیرپای بشر است. دوران مدرن، با تمام جلال و جبروتی که از خود نشان داده، نتوانسته به این آرمان بشری جامه تحقق ببوشاند. نتیجه اقتصاد مدرن و نیز جهانی‌سازی اقتصاد و گسترش شرکت‌های فراملیتی، جز شکاف طبقاتی روزافزون و فقیرتر

شدن فقیران و غنی تر شدن اغنیا نبوده است (طالبيان، ۱۳۸۴: ۴۹).

ابوسعید خدری (از محدثین اهل سنت) در همین زمینه، ذیل روایت پرشدن زمین از عدالت می نویسد یعنی: شما را به ظهور مهدی «ع» بشارت می دهم که زمین را پر از عدل می کند، همانگونه که از جور و ستم پر شده است، ساکنان آسمانها و زمین از او راضی می شوند و اموال و ثروتها را به طور صحیح تقسیم می کند (الشبلنجی، ۱۴۰۵: ۲۰۰). دلهای پیروان محمد «ص» را از بی نیازی پر می کند و عدالتش همه را فرا می گیرد (شیرودی، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۸).

۴-۵. تکامل دانش و معرفت

دانش در دوره حکومت جهانی امام عصر «عج» به آخرین درجه تکامل خود می رسد. به بیان دیگر، در این دوران، هم توسعه علمی و هم توسعه اقتصادی به صورت همه جانبه اتفاق می افتد. از این رو، تمام علوم برای دستیابی به حداکثر پیشرفت و تولیدات به کار می افتد. احادیثی بر این موضوع اشاره دارند، از جمله: امام صادق «ع» فرمود: «أَلْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمَعَ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا: عِلْمٌ وَدَانِسٌ بَيْسَتٌ وَهَفْتُ حَرْفٌ (شعبه) است. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آورده اند، دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف (شعبه) دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می سازد» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۵۲: ۳۳۶).

۴-۶. توسعه آبادانی و پیشرفت

بر اساس پیش بینی روایات رهبری دینی، عصر ظهور و حکومت جهانی اسلام با توسعه و رشد اقتصادی چشمگیری همراه است؛ اما همان گونه که آمد، این توسعه بر مبنای عدالت استوار است و تمام جوامع از این موهبت بهره مند می شوند. امام باقر «ع» در حدیثی می فرماید: به محض قیام مهدی، رحمت ها و برکت های الهی، پروا پیشگانی را که خردشان در پی آن انقلاب آسمانی کمال می یابد، فرا می گیرد (صافی گلپایگانی، بی تا: ۴۲۸).

در جای دیگر آمده است: «إِنَّهُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبَ وَ تَطْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ لَا يَبْقَى فِي

الارض خراباً الا یعمُرهُ: حکومت او، شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و گنجینه‌های زمین برای او ظاهر می‌شود و در سراسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر این که آن را آباد خواهد ساخت» (الصبان، ۱۳۹۸: ۱۴۱-۱۴۰).

در حکومت امام مهدی «عج» فقر ریشه کن خواهد شد. بنابر احادیث، در آن زمان هیچ فقری وجود ندارد که بتوان به او صدقه داد، چرا که همه ثروتمند می‌شوند و اقتصاد و جامعه رونق گرفته و شکوفا خواهد شد (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۸).

۵. ویژگی‌های بیداری اسلامی

امام خامنه‌ای در سخنرانی خود در سالگرد رحلت امام «ره»^۱ سه شاخص عمده مشترک در حرکت بیداری اخیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را اسلامی بودن، مردمی بودن و ضد آمریکا و صهیونیست بودن دانسته و همین سه ویژگی را ملاک همراهی ایران با حرکت‌های جدید دانستند. ایشان در تبیین موضع ایران نیز دفاع از حقوق ملت‌های مسلمان و مظلوم، مقابله با مستکبران و سلطه‌گران در هر جای دنیا و حمایت از هر حرکت آزادی‌خواهانه با شعار اسلام را سیاست ایران دانسته و پیروزی قطعی حرکت بیداری اسلامی طبق وعده الهی را پیش بینی نمودند. در این مقاله تلاش می‌شود با همین نگاه مبحث بیداری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، به منظور یافتن زمینه‌های مشترک برای بررسی مفهومی پدیده بیداری اسلامی می‌توان عناصر اساسی این پدیده که آن را از دیگر انواع تحولات سیاسی مشابه جدا می‌سازد، برشمرد. بر این مبنا ویژگی‌های زیر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین عناصر اصلی و ممیزه بیداری اسلامی ذکر کرد:

۵-۱. اسلامی بودن

کشورهایی که اکنون در کانون بیداری اسلامی قرار دارند، اکثریت قریب به اتفاق آنها را مردم مسلمانی تشکیل می‌دهند که تعلق خاطر شدید آنها به اسلام و قوانین اسلام به هیچ عنوان

قابل انکار نیست. یکی از ویژگی‌های مشترک حاکمان مستبد این کشورها در دوران حکومت خود، مبارزه با اسلام‌گرایی در این کشورها بود. اتخاذ رویکردهای سکولار در نحوه اداره جامعه، قلع و قمع مبارزان مسلمان در مصر، برقراری رابطه با دشمن اصلی مسلمانان یعنی اسرائیل، ممانعت از برگزاری واجبات اسلامی نظیر نماز و حجاب، تنها بخشی کوچک از اراده اسلام‌ستیزی حکمرانان و ساختار سیاسی این کشورها در طی سالیان متمادی حکومت بر این کشورها بود؛ لذا اسلام‌ستیزی و سرکوب اعتقادات مذهبی مردم مسلمان و معتقد این کشورها باعث شکل‌گیری ریشه‌های عدم مشروعیت این نظام‌ها شد که به همین علت مردم این کشورها برای حفظ اعتقادات اسلامی به مقابله با نظام حاکم روی آوردند.

حضور مردم با نشانه‌های بارز اسلامی نظیر حضور با قرآن در راهپیمایی‌ها، شکل‌گیری گسترده‌ترین تظاهرات بعد از نماز جمعه، فراگیر بودن شعار الله اکبر به عنوان یکی از اصلی‌ترین شعارهای مبارزات، درخواست برای مبارزه با اسرائیل و روی آوردن به حجاب به عنوان نماد اسلامی همگی حاکی از سیطره روح اسلام‌خواهی و حضور پررنگ تفکرات اسلامی در شکل‌گیری مبارزات این کشورها داشته و دارد (سایت گزاره، ۱۳۹۰/۳/۲۶).

مقام معظم رهبری نخستین کسی بود که واژه «بیداری اسلامی» را پس از مطرح شدن «خاورمیانه جدید» از سوی آمریکا، آن هم در اثنای جنگ ۳۳ روزه لبنان، طرح نمودند و پس از آن هم در خلال فرمایش‌هایشان بارها آن را به کار بردند (شکیبایی، ۱۳۸۹). پس از وقوع انقلاب‌های اخیر در کشورهای اسلامی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا نیز ایشان ریشه این تحولات را بیداری اسلامی دانسته و بر آن تاکید فرمودند. ایشان در فرمایش‌های خود در ابتدای سال ۱۳۹۰ در مشهد مقدس^۱، شواهد گرایش و جهت‌گیری دینی حرکت مردم را برگزاری نمازهای جمعه و جماعت، وجود نام خدا و حضور علمای دین، مبلغان و بنیان‌گذاران تفکر نوین دینی در متن حرکت بیان فرمودند.

۱- در تبیین این مواضع مقام معظم رهبری از اطلاعات سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (khamenei.ir) و پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (www.leader.ir) استفاده شده است.

۵-۲. ضد استکباری بودن

تسلط کشورهای غربی و به ویژه آمریکا در ساخت قدرت سیاسی و امنیتی این کشورها یکی از نقاط مشترکی است که در مورد تمامی این کشورها مصداق مشخص و روشنی دارد. حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه و تعهد واشنگتن به تأمین امنیت دائمی این رژیم، باعث می‌شد که آمریکایی‌ها برای حضور در ساختار سیاسی و امنیتی این کشورها برای جلوگیری از رشد عناصر ضد صهیونیستی و تقویت جریانات سازشگر در میان حاکمان این کشورها تلاش وافر نمایند. نمونه‌های فراوانی وجود دارد که علی‌رغم وجود اراده‌های قوی مردمی مبنی بر مبارزه با رژیم صهیونیستی، حکمرانان این کشورها تنها به علت هم‌پیمانی با آمریکا و اسرائیل نه تنها به این خواست‌ها و وقعی ننهادند، بلکه دقیقاً در نقطه مقابل خواست اکثریت مردم کشورهای خود، همراه و همسو با آمریکا و رژیم صهیونیستی و در جهت تأمین منافع آنان گام برمی‌داشتند. امضای پیمان صلح با اسرائیل، موافقت با حمله اسرائیل به غزه و جریان مقاومت اسلامی در منطقه، محدود کردن مبارزان فلسطینی، بستن گذرگاه رفح و محاصره کامل غزه به درخواست رژیم صهیونیستی تنها چند نمونه از اقدامات بی‌شماری بود که حکمرانان این کشورها به خواست آمریکا و اسرائیل انجام می‌دادند. لذا همین فرمان‌برداری و همراهی مطلق با جریانات سلطه بین‌المللی و تلاش‌های همسو این دولت‌ها علیه جریانات اسلامی باعث به وجود آمدن و تشدید موج ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی در بین مردم این منطقه شد، تا جایی که یکی از درخواست‌های اصلی مردم انقلابی مصر اخراج و قطع رابطه با اسرائیل و نظام سلطه بین‌المللی است. اقداماتی نظیر بازگشایی گذرگاه رفح، تظاهرات علیه رژیم اسرائیل در مصر، قطع گاز ارسالی از مصر به اسرائیل و تظاهرات روز نکبت علیه اسرائیل همگی حکایت از ضد نظام سلطه بودن این قیام‌ها دارد (سایت گزاره، ۱۳۹۰/۳/۲۶).

انقلاب اسلامی ایران به عنوان الگوی مردم‌سالاری دینی از یک سو و به عنوان نماد بیداری و مقاومت در مقابل افزون‌طلبی‌های استکبار و اشغالگری‌های رژیم صهیونیستی، یکی از عوامل اصلی مؤثر در رویداد بیداری اسلامی بوده است. در همین زمینه مقام معظم رهبری، جنایات حکومت مصر به نیابت از اسرائیل، در مواردی چون بستن مرز غزه و کمک به محاصره و ایجاد دیوارهای حائل فولادی در مرز آن را مصادیق بارز جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم مصر به دست حاکمان و همچنین جریحه‌دار شدن غرور ملت لیبی پس از جمع‌آوری

امکانات هسته‌ای توسط حکومت این کشور، به بهانه استفاده از مشوق‌های غربی را علت مهمی در بیداری اسلامی در این دو کشور ذکر نمودند و مشاهده مقاومت مسئولین ایرانی در برابر تهدیدات غرب را دلیل برانگیزاننده‌ای در وقوع انقلاب‌ها ذکر فرمودند (فرمایش‌ها در ابتدای سال ۱۳۹۰-مشهد).

مقام معظم رهبری در تبیین مواضع آمریکا در برابر این تحولات، حمایت از دیکتاتورها تا آخرین لحظه، رها کردن آنان در هنگامی که بی‌فایده باشند، حفظ شاکله نظام پس از رفتن دیکتاتورها و بر سر کار آوردن افراد طرفدار خود و تلاش برای مصادره انقلاب‌ها با ترفندهایی چون اظهار حمایت و همراهی با ملت‌ها را سیاست این کشور دانستند. و از سوی دیگر به تلاش آمریکا برای شبیه‌سازی انقلاب‌ها در منطقه از جمله در ایران به وسیله عوامل ضعیف، فرومایه و دست‌خوش هوای نفس اشاره و آن را شکست خورده ارزیابی نمودند. (فرمایش‌ها در ابتدای سال ۱۳۹۰-مشهد)

۵-۳. مردمی بودن

یکی از اصلی‌ترین روش‌هایی که حاکمان این کشورها قبل از انقلاب‌های مردمی در این کشورها دنبال می‌کردند رویکرد وابستگی به غرب به ویژه آمریکا بود. این رویکرد باعث می‌شد که حاکمان این کشورها به علت نداشتن پایگاه مردمی در بین ملت خود به دنبال متحد قدرتمندی باشند تا ادامه سلطه خود را تضمین کرده و چند روزی بیشتر بر سریر قدرت باقی بمانند؛ لذا در میان ساختار سیاسی این کشورها وابستگی به آمریکا و دیگر کشورهای نظام سلطه، امری متعارف بود. ماهیت وابسته بودن رژیم‌های این کشورها باعث می‌شد که منافع کشورهای بیگانه اما حامی این رژیم‌ها بر منافع مردم برتری یابد و در این مسیر، تأمین منافع حامیان و ماندن بیشتر در قدرت، اصولی بود که از سوی هیأت حاکمه این کشورها دنبال می‌شد.

از سوی دیگر ذات وابسته بودن به ابرقدرت‌ها در این کشورها باعث می‌شد تا مردم در تعیین سرنوشت خود و پیگیری منافع ملی خود از کمترین میزان تأثیرگذاری بر ساخت قدرت برخوردار باشند. همین امر یعنی عدم مشارکت مردم در قدرت و ساخت سیاسی باعث شکل‌گیری یکی از پایه‌های اصلی این انقلاب‌های مردمی شد. انقلاب‌ها باعث می‌شد تا مردم این کشورها برای اولین

بار تأثیرگذاری خود را در حوزه قدرت سیاسی این کشورها ببینند؛ لذا سرنوشتی حکومت‌های وابسته به غرب در این منطقه استراتژیک به وسیله حضور مردم در صحنه، باعث گشوده شدن فصل جدیدی از مشارکت سیاسی مردم و تعیین سرنوشت خود در این کشورها شد.

مقام معظم رهبری در ابتدای سال ۱۳۹۰ در حرم امام رضا «ع»، به این مهم اشاره فرمودند و ویژگی‌های مهم این پدیده را در حضور مردم در صحنه و گرایش و جهت‌گیری دینی حرکت مردم و علت آن را جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم و آن را مشابه حضور مردم در انقلاب اسلامی ایران دانستند. همچنین ایشان اهمیت آن را در بی‌توجهی مردم به دعوت‌های همیشگی روشنفکران و علت اهمیت آن را ناتوانی احزاب، پشت‌میزنشین‌ها و تحلیل‌گران ذهنی در آوردن مردم به صحنه و باز شدن گره‌ها با دل، نیت و همت مردم بیان فرمودند.

در ادامه، دلایل موفقیت مردم برای پیشبرد اهداف انقلابی خود بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۵-۳-۱. استفاده از عامل ژئوپلیتیک برای بسیج توده‌ای

جرقه تغییر حکومت در برخی انقلاب‌های منتهی به بیداری اسلامی در کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا، به گونه معناداری با تجمع مردم معترض در یک مکان خاص و بیان خواسته‌های خود برای تغییرات از آن مکان، زده شده است. به عنوان نمونه، میدان التحریر قاهره و میدان لولو (شهدا) در منامه، پایگاه اصلی انقلابیون بود و اهمیت ژئوپلیتیک این مکان‌ها قابل توجه است. تأثیر این تاکتیک تا جایی بود که رژیم بحرین میدان لولو را تخریب نمود تا بلکه بتواند این حرکت انقلابی مردم را خنثی نماید.

۵-۳-۲. بهره‌گیری از شیوه‌های مسالمت آمیز

یکی از ویژگی‌های بارزی که موجب تمیز بیداری اسلامی از انقلاب‌های کلاسیک شده، مسالمت آمیز بودن بیداری اسلامی است. شیوه مبارزه مردم انقلابی با حکومت، مبتنی بر شیوه مبارزه غیر خشونت آمیز است که از طریق به کارگیری تاکتیک‌هایی چون حضور اعتراضی در میادین خیابان‌ها اجرا شده است.

۵-۳-۳. مشارکت توده‌ای

در انقلاب‌های برخاسته از بیداری اسلامی، توده‌های مردمی نقش فعالی دارند و گروه‌های مخالف که بخشی از جمعیت را بسیج می‌کنند، خارج از بلوک قدرت قرار دارند. اما تفاوت آن با انقلاب‌های رنگی در این است که اگر نماد انقلاب‌های کلاسیک گیوتین و نماد انقلاب‌های رنگی «میز مذاکره» (جلایی پور، ۱۳۸۱: ۵۷) و «رقابت انتخاباتی» (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۶-۳۳) بود، نماد بیداری اسلامی اخیر تجمع توده‌های مردمی خارج از قدرت و غیر وابسته به احزاب حکومتی است. این مشخصه مانند انقلاب‌های کلاسیک است که در آنها «گروه‌های مخالف که بخشی از جمعیت را بسیج می‌کنند، خارج از بلوک قدرت قرار دارند» (بشیریه، ۱۳۸۳). ضمناً شباهتی به کودتا که در آن گروه‌ها و افرادی از درون حکومت مبنای تغییرات اند، ندارد (حاجیان و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۰).

۵-۳-۴. گسترش نارضایتی عمومی

برخی از صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، تغییر سیاسی را معادل تغییر در ترتیبات قدرتی حاکم بر جامعه تلقی نموده و آن را به چهار دسته کلی تقسیم کرده‌اند. مبنای این تقسیم‌بندی عواملی مانند نوع و میزان شرکت‌کنندگان در تغییر، میزان سازمان‌یافتگی و برخورداری از رهبری و همچنین میزان اثرپذیری از ایدئولوژی و آرمان‌های سیاسی است. بر این مبنای، دسته اول تغییرات را می‌توان توطئه‌های سازمان‌یافته نامید و منظور از آن، تغییرات به دقت طراحی شده‌ای همچون کودتاست که در آن، عده‌ای محدود از نخبگان که اغلب به قدرت سیاسی نیز دسترسی دارند، بدون بهره‌گیری از نیروی توده‌ها و به طور ناگهانی، ترتیبات قدرتی حاکم را تغییر می‌دهند. دسته دوم آشوب است و منظور از آن، ناآرامی‌های اجتماعی و اغتشاشاتی است که کمترین برخورداری از سازمان‌یافتگی، رهبری و ایدئولوژی دارد. دسته سوم انقلاب است و مراد از آن حرکت‌هایی سیاسی است که با تکیه بر ایدئولوژی یا آرمان سیاسی، با شرکت توده‌های جامعه و با محوریت رهبر یا رهبران، نظم سیاسی مستقر را تغییر می‌دهند. دسته آخر که با عنوان شورشگری شناخته می‌شود، ترکیبی از ویژگی‌های کودتا و انقلاب را در خود جمع کرده است؛ هم ویژگی سازمان‌یافتگی و برنامه‌دار بودن کودتاها و هم تکیه بر آحاد جامعه و بهره‌گیری از

نیروهای اجتماعی که از ویژگی‌های انقلاب است را در خود دارد (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۰).

در نظام اجتماعی نارضایتی عمومی به چند شیوه ایجاد می‌شود:

- الف. به وسیله یک نظام اجتماعی نامتوازن و بی تعادل که باعث به وجود آمدن افراد آشفته و سرگردانی می‌شود که پیوندهای اجتماعی آنها گسسته شده است (نظریه جانسون)؛
- ب. با فروپاشی و از بین رفتن سازمان‌های سیاسی و اجتماعی واسط و شکل‌گیری جامعه توده‌وار (نظریه آرنست و کورنهورز)؛
- ج. از طریق شکاف ایجاد شده میان میزان بالا رفتن انتظارات و میزان برآوردن نیازها (نظریه دیویس و گر)؛
- د. از طریق فرآیند مدرنیزاسیون شتابانی که از فرآیند نهادینه شدن پیشی گرفته است (نظریه هانتینگتون).

همچنین در حوزه دولت، بحران‌هایی چون ناکارآمدی، بحران مشروعیت، بحران سلطه یا استیلا و مشکلات اقتصادی و... می‌تواند زمینه‌ساز و باعث توسعه نارضایتی عمومی گردد (بشیریه، ۱۳۸۷: ۹۴). اما بدیهی است که روگردانی و نارضایتی به تنهایی نمی‌تواند باعث شکل‌گیری کنش انقلابی شود. آنها ابعادی از «وضعیت‌های بحرانی» است که زمینه روان‌شناختی لازم برای «تأثیرپذیری افراد» و «سوق یافتن آنها به سوی جنبش توده‌ای» را فراهم می‌آورد. تیلی نیز در این خصوص معتقد است، نارضایتی در صورت سازماندهی نشدن و نبود منابع، به ندرت منجر به انقلاب می‌شود (Goldstone, 1982: 12). از این رو، وجود گروه‌ها و احزابی که بتوانند نارضایتی عمومی را در راستای منافع خود علیه حاکمان به کار گیرند، ضروری است (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۲).

در کشورهای عربی-اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا، به علت عدم استقرار نظام سیاسی دموکراتیک، مردم و نخبگان این کشورها موفق به برآورده ساختن نیازهای اساسی جامعه سیاسی خود نشدند. در عین حال، تحولات جهانی، تسهیل در ارتباطات مردمی و آگاهی از تحولات و پیشرفت دیگر جوامع نیز بر مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم و نخبگان می‌افزود. در این کشورها مشکلات اقتصادی و یا مسائل برآمده از نظام دیوان‌سالاری، در افزایش نارضایتی‌ها نقش داشت؛ به عبارت دیگر، شرایط عینی جامعه، به میزان قابل توجهی تحت تأثیر میزان بهره‌مندی

معیشتی قرار گرفت که در نهایت نارضایتی از وضع موجود را در پی داشت. ظرفیت‌های محدود اقتصادی در کنار سیاست‌گذاری‌های نادرست و ضعف در امور اجرایی در این کشورها موجب شده بود که اغلب این کشورها با مشکلات اقتصادی دامنه‌داری مواجه شوند. وجود نظام سیاسی غیرشفاف نیز ویژگی مشترکی بود که نظام حکومت‌داری در این کشورها را با ابهام مواجه ساخته بود. نظام سیاسی این کشورها تفاوت‌های زیادی با معیارهای مرسوم بین‌المللی دارد. همچنین رفتار حاکمان در قبال مخالفان و تلاش برای حذف آنها و بهره‌گیری از روش‌های غیر مردم‌سالاری برای اداره نظام سیاسی کشور، معضل دیگری در این کشورها بود که منجر به نارضایتی سیاسی در این کشورها می‌گردید. مهمتر از همه این‌ها، دیدگاه‌ها و دغدغه‌های اسلام‌گرایانه مردم، سرخوردگی و احساس تحقیر از قضیه فلسطین و جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم به دلیل همراهی حکام مستبد با سیاست‌های استکباری غرب بود.

میزان جدید و تلاش ارتش برای بقای حکومت هم نکته‌ای است که نباید از آن غفلت شود. در مصر و تونس، در واقع ارتش به حکومت «نه» گفت و انتقام تحقیر خود را از حکام گرفت. بنابراین حکومت زود فروپاشید، زیرا قدرت حکومت بر پایه دستگاه‌های امنیتی بود. به عنوان مثال، بر اساس کمپ دیوید، کشور مصر ۴۰۰ تا ۴۵۰ هزار نظامی بیشتر نمی‌تواند داشته باشد، در حالی که ۱۲۰۰۰۰۰ نفر نیروی امنیتی دارد (اسداللهی، ۱۳۹۰) و این مسأله خوشایند نظامیان نبود.

۵-۳-۵. بهره‌گیری از بی‌عدالتی و شکاف‌های اجتماعی-حاکمیتی

بروز نارضایتی در همه جوامع و به میزان متفاوت، تقریباً امری فراگیر است؛ از این رو، نارضایتی به خودی خود نمی‌تواند منجر به انقلاب گردد. در کشورهای دست‌خوش انقلاب، نارضایتی عمومی که امری سراسری و متراکم است، بر شکاف‌های قومی در این جوامع بار می‌شود و از طریق رهبران این گروه‌ها، علیه دیکتاتورهای حاکم به کار گرفته می‌شود (حاجبانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۸). در اینجا باید گفت که در تمامی کشورهایی که بیداری اسلامی صورت گرفته است، ملی‌گرایی در کنار تعلقات دینی و مذهبی، عامل همبستگی قوی بوده و جنبش اجتماعی توانسته از این طریق تعداد زیادی از مردم را به خیابان‌ها بکشد.

نیروها و گروه‌های اجتماعی مبتنی بر علایق گوناگون در درون ساخت جامعه پدید می‌آیند. چنین علایقی در حول و حوش شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. شکاف اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه جمعیت و تکوین گروه بندی‌هایی می‌گردد. این گروه بندی‌ها ممکن است شکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کنند (بشیریه، ۱۳۸۳: ۹۹). یکی از شکاف‌های اجتماعی در جوامع، «شکاف‌های قومی» است. همان گونه که نظریه‌های فرصت سیاسی استدلال می‌کنند در جوامعی که مخالفان از حمایت‌های محلی و قومی برخوردارند، امکان بسیج سیاسی افزایش می‌یابد. از این رو، شکاف قومی در جوامع یکی از عوامل انسجام اپوزیسیون به شمار می‌آید. علاوه بر این، انقلاب زمانی به وقوع می‌پیوندد که نیروهای اجتماعی در برابر رژیم اقتدارگرا به اندازه کافی قدرت به دست بیاورند. بنابراین، توزیع قدرت بین عناصر اقتدارگرای درون حکومت و عناصر مردم سالار در جامعه نیز جزو متغیرهای اساسی است. (McFaul, 2007: 63)

رشد آگاهی عمومی که از طریق رشد فزاینده تعداد ثبت‌نام‌شدگان در مقاطع عالی آموزش عالی قابل اندازه‌گیری است، از جمله دیگر عواملی است که امکان انسجام مخالفان در جوامع اقتدارگرا را فراهم می‌آورد (Beissinger, 2007: 271). نارضایتی عمومی هرچند توسط گروه‌های مخالف به سمت تغییر حاکمان هدایت شود، در صورتی که رژیم حاکم به اندازه کافی یکدست و کاملاً اقتدارگرا باشد، بعید است که این مخالفت‌ها کارگر بیفتند (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۴). از این رو، توجه به وضعیت حکومت، در موفقیت انقلاب‌ها نیز ضرورت دارد.

در رژیم‌های دیکتاتوری برای اینکه میدان بازی به نفع حاکمان تغییر پیدا کند، نقض معیارهای مردم سالاری به صورتی جدی اتفاق می‌افتد. فضای جهانی شده و فشارهای هنجاری یا حقوقی عامل خارجی نیز بر وضعیت حکومت تأثیرگذار است. فشار خارجی، هم مانعی در برابر رژیم‌های اقتدارگرای تمام عیار است و هم از طریق اعمال فشار بر حکومت در وضعیت انقلابی، باعث تضعیف حکومت می‌شود. همچنین عدم انسجام نیروهای حافظ نظم در جامعه و پیوند ضعیف آنها با حکومت (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۲۱۷) و اقتصاد ضعیف از دیگر عواملی است که حکومت را در برابر انقلاب آسیب پذیر می‌سازد (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۵). در کشورهای عربی-اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا حکومت توسط دیکتاتورهای قبضه شده بود که چند دهه در مسند قدرت بودند و به هیچ وجه حاضر به کناره‌گیری از قدرت نبودند و در عین حال پیوند نیروهای حافظ نظم جامعه با حکومت، همچون وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم ضعیف بود.

۵-۳-۶. فعال شدن گسل‌های اقتصادی

وضعیت اقتصادی پنج کشور هدف یعنی تونس، مصر، لیبی، بحرین و یمن نشان می‌دهد که این کشورها در برخی شاخص‌های اقتصادی مهم و مؤثر مانند تورم وضعیت نسبتاً قابل قبولی دارند اما توزیع نامناسب موقعیت‌ها و امکانات اقتصادی و بهره‌گیری طبقه حاکم از رانت‌های اقتصادی خود عاملی در جهت افزایش نارضایتی و ایجاد فاصله طبقاتی بیشتر بوده است.

مصر و تونس از سال ۲۰۰۷ ضمن اینکه از بحران اقتصادی خارج شدند و درآمدهای خارجی‌شان افزایش یافت دچار فساد اقتصادی گسترده بودند. بنابراین درآمد اقتصادی افزایش می‌یافت ولی نه برای همه مردم به طوری که هر مصری روی کاغذ ۶ هزار و ۲۰۰ دلار درآمد در سال است ولی ۴۰ درصد جمعیت زیر دو دلار در روز درآمد دارند. بر اساس آمار رسمی از سال ۲۰۰۶ تا پایان ۲۰۱۰ در کشور مصر ۳ هزار اعتصاب و راهپیمایی اقتصادی به لحاظ مسائل معیشتی صورت گرفته و همه تجمعات نیز بعد از نماز جمعه با شعار «نان می‌خواهیم» بوده است (نبوی، ۱۳۹۰/۳/۹).

از سوی ثروت نامشروع نزدیکان دستگاه حاکمه حدود ۶۵۰ میلیارد دلار و ثروت نامشروع شخص مبارک ۶۰ تا ۷۵ میلیارد دلار برآورد شده است (صفوی، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹). ظهور یک طبقه از سرمایه داران وابسته به رژیم حسنی مبارک که ثروت‌های مردم مصر را با استفاده از رانت‌های دولتی غارت می‌کردند رسوباتی از کینه و نفرت را در ذهن جوانان مصری ایجاد کرد. تسلط فرزندان حسنی مبارک به نام‌های علاء و جمال بر مقدرات اقتصادی و جمع‌آوری ثروت‌های نامشروع که به رقمی بالغ بر ۵۵ میلیارد دلار می‌رسد فاصله طبقاتی را میان جامعه مصر به شدت افزایش داد. اغلب سهام کارخانه‌های غیر دولتی، شبکه‌های ارتباطی، خطوط هوایی و کشتیرانی، شرکت‌های راه‌سازی و صادرات و واردات متعلق به نزدیکان حسنی مبارک و همسرش، سوزان مبارک بود (هانی‌زاده، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵).

طبق آمار ارائه شده، میزان تورم در کشور لیبی ۱۰/۵ درصد، در کشور یمن به میزان ۱۸ درصد، در کشور تونس به میزان ۵ درصد، در کشور بحرین به میزان ۷ درصد و در کشور مصر ۱۸ درصد است. نرخ بیکاری در بحرین ۱۵ درصد، در مصر ۹/۱، در تونس ۱۴/۱، در لیبی ۳۰ و در یمن ۳۵ درصد است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در بحرین ۶/۱ درصد، در مصر ۶/۹، تونس

۴/۷، لیبی ۶/۳ و در یمن ۳/۲ درصد است. میزان بدهی خارجی در بحرین ۱۰/۵۷ میلیارد دلار، در مصر ۲۹/۲ میلیارد دلار، تونس ۱۹/۲۷ میلیارد دلار، لیبی ۴/۸۳۷ میلیون دلار و در یمن ۶/۴۷۲ میلیارد دلار است.

جدول شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی^۱

میزان تورم (درصد)	میزان بدهی خارجی (میلیار دلار)	تولید ناخالص داخلی (درصد)	نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)	جمعیت (تقری)	نرخ رشد جمعیت (درصد)	درصد پاسوادی	
۷	۱۰/۵۷ میلیارد دلار	۶/۱	۶/۱	۱۵	۷۲۷۷۸۵	۱/۲۸۵	۸۶/۵	بحرین
۱۸	۲۹/۲ میلیارد دلار	۶/۹	۶/۹	۹/۱	۸۱۷۱۳۵۲۰	۱/۶۸۲	۷۱/۴	مصر
۵	۱۹/۲۷ میلیارد دلار	۴/۷	۴/۷	۱۴/۱	۱۰۳۳۷۸۰۰	۰/۹۸۹	۷۴	تونس
۱۰/۵	۴/۸۳۷ میلیارد دلار	۶/۳	۶/۳	۳۰	۶۱۷۳۵۷۹	۲/۲۱۶	۸۲/۶	لیبی
۱۸	۶/۴۷۲ میلیارد دلار	۳/۲	۳/۲	۳۵	۲۳۸۲۷۸۳	۳/۴۵۳	۵۰/۲	یمن

جدول تحلیل مقایسه‌ای تحولات انقلابی کشورهای منطقه عربی و عوامل دخیل در آن: در مجموع، بر مبنای مباحث مطرح شده، تأثیر عوامل مختلف در رخداد انقلاب‌های اخیر در کشورهای هدف را می‌توان طبق جدول زیر خلاصه کرد:

بحرین	یمن	لیبی	مصر	تونس		
-	-	-	-	-	رشد یکپارچه	حکومت
-	-	-	-	-	حرمات اقتصادی	
-	-	-	-	-	فشار بیس تنظیم خارجی	
-	-	-	-	-	رسانگی حکام - لیکتور	
-	-	-	-	-	عدم احساس مسئولیت مردم، سلب طعن	
-	-	-	-	-	حدیث و نقض ارزش برای خای حکومت	
-	-	-	-	-	میدانگه و دهنده‌مان نسبی	
-	-	-	-	-	ملی گرایی	
-	-	-	-	-	گرتبهان فرهنگی عربیزده	
-	-	-	-	-	حمایت سیاست خارجی	
-	-	-	-	-	بند سطح تحصیلات	استبداد
-	-	-	-	-	حریجه، نارسان کردن عروت و کرامت انسان مردم	
-	-	-	-	-	بالا بردن نرخ بیکاری	
-	-	-	-	-	سرمونیت گورجهای سپهر از مشارکت در دولت	تأثیر مردم
-	-	-	-	-	ناقص ماس خارجی گسترش مردم سالاری	

۱- اطلاعات فوق در مورخه ۱۳۹۰/۳/۳۰ از پورتال اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران «<http://iccim.ir>» و سایت موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی ایران و آفریقا (آفران) «www.afiran.ir» استخراج گردیده است.

۶. بررسی رابطه بیداری اسلامی و جامعه جهانی مهدوی

به نظر می‌رسد حرکت بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با قیام منجی موعود «عج» و تشکیل جامعه جهانی مهدوی در محورهای زیر، بیشترین اشتراکات را دارند:

۱-۶. اسلام‌گرایی

یکی از ویژگی‌های مهم و اصلی قیام‌های در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، اسلامی بودن آنها بود. مبارزه حکام مستبد با اسلام‌گرایی، اتخاذ رویکردهای سکولار در اداره جامعه، قلع و قمع مبارزان مسلمان، ممانعت از برگزاری واجبات اسلامی و... موجب تحریک و تحرک مردم مسلمان شد و آنها با نشانه‌های بارز اسلامی در تجمعات اعتراضی علیه حکومت شرکت نموده و بدین صورت علاقه مندی خود را به دین مبین اسلام و توسعه آن نشان دادند. همان‌گونه که اشاره شد، در عصر ظهور نیز مردم به طور بی سابقه به اسلام روی می‌آورند؛ به طوری که همه جا آوای اسلام، طنین انداز می‌شود و آثار مذهبی تجلی می‌کند. این شاخصه دال بر گرایش مردم به مظاهر و مناسک دینی و اسلامی در هر دو قیام است.

۲-۶. خدامحوری در الگو

همان‌گونه که منابع دینی اسلام، زمینه‌های تحقق حکومت مهدوی را با سرخوردگی بشر از الگوهای به ظاهر فریبا و جذّاب بشری و روی آوری به الگوی حکومت جهانی اسلام مرتبط می‌سازند، در قیام‌های صورت گرفته در بستر بیداری اسلامی نیز توجه به الگوی موفق حکومت مردم سالار دینی جمهوری اسلامی ایران و استقبال از آن، جزء ویژگی‌های منحصر به فرد قیام‌ها بود که مورد اذعان و اعتراف دوست و دشمن قرار داشت.

۳-۶. وحدت‌گرایی

در جامعه جهانی مهدوی، برابری همگان در پیشگاه قانون بر محوریت اندیشه توحید محور، جامعه را به وحدت و یکپارچگی می‌رساند. در بیداری اخیر نیز دغدغه‌های مشترک بین

صنف‌های مختلف مردم و امید آنها به برقراری حاکمیت مبتنی بر مردم سالاری دینی و توجه یکسان و برابر و به دور از طبقه محوری و خویشاوند بازی و گروه سالاری، به آنها نیروی مضاعفی را اعطا نموده بود و عزم آنها را در سقوط دیکتاتورها جزم‌تر نموده و وحدت و یکپارچگی را شاخصه مهم قیام آنها ساخته بود.

۶-۴. عدالت خواهی

از آن‌جا که عدالت در اندیشه سیاسی اسلام جایگاه اساسی دارد، پرشدن زمین از عدل و داد و تکیه به مردم در بنای عدل الهی و زدودن ستم، از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی امام زمان «عج» شمرده می‌شود. در کشورهای انقلابی هدف نیز، نارضایتی از اقتصاد ضعیف و فساد اقتصادی گسترده موجب تشدید شکل‌گیری تجمعات اعتراضی می‌شد. چراکه مردم ثروت نامشروع نزدیکان دستگاه حاکمه و ظهور طبقه سرمایه داران وابسته به رژیم را نمی‌توانستند تحمل کنند و این مسأله رسوباتی از کینه و نفرت را در ذهن آنها انباشته و حس ظلم ستیزی و عدالت خواهی را در آنها تحریک می‌ساخت.

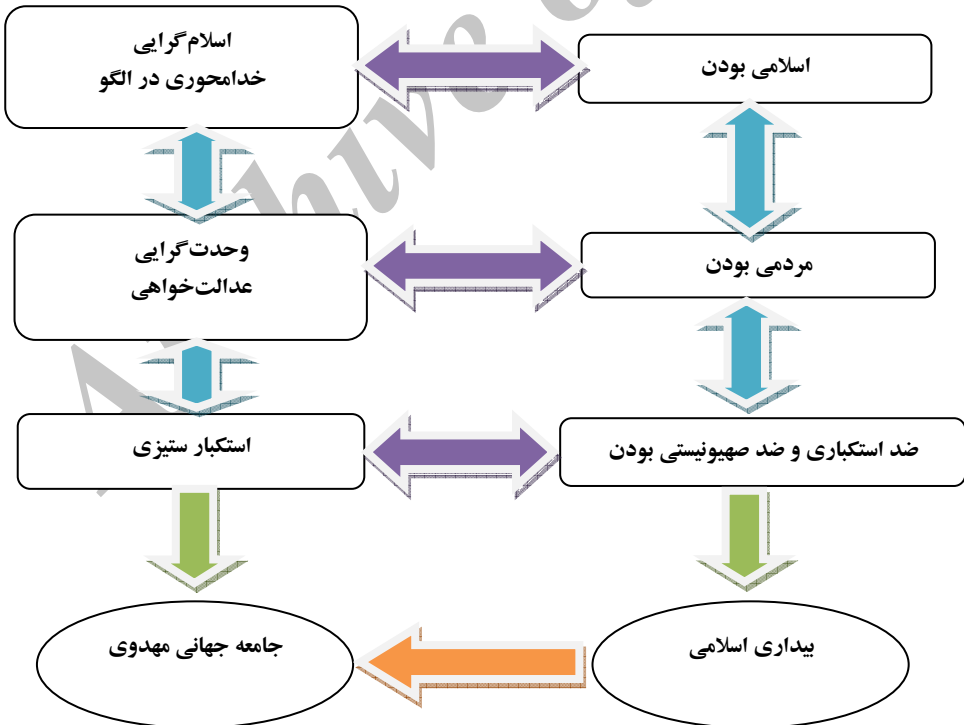
۶-۵. استکبار ستیزی

آیاتی از قرآن به مسأله استکبار ستیزی اسلام اشاره دارند، از جمله: آیه شریفه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ...» و خواستیم بر کسانی که در زمین مورد ستم واقع شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] و وارث [زمین] گردانیم» (قرآن، قصص: ۵-۶).

این آیات به مستضعفین بشارت می‌دهند که آنان را در مسیر حق یاری داده و آنها در نهایت بر مستکبران و مستبدان که همواره سد راه موفقیت آنان هستند، پیروز خواهند شد. قیام اخیر ملت‌های مستضعف در مقابل حکومت‌های مستبد و وابسته به قدرت‌های استکباری جهان به ویژه آمریکا نیز جلوه‌ای از این وعده الهی به شمار می‌رود. نکته دیگری که در این زمینه قابل توجه است این است که، این ملت‌ها مستقیم و غیر مستقیم بیش از ۶۰ سال است که قربانی توطئه‌های استکبار در تجزیه جهان اسلام پس از جنگ جهانی اول و متعاقب آن فروپاشی عثمانی گردیده‌اند.

علاوه بر آن، تولد فرزند نامشروع استکبار یعنی رژیم صهیونیستی در سرزمین مقدس فلسطین و تحمیل جنگ‌های متعدد و ظلم و ستم بی‌حد و حصر بر مردم مظلوم سرزمین‌های اشغالی و اراضی کشورهای اسلامی همجوار، مشقت‌های زیادی را برای آنان در پی داشته است. اما همان‌گونه که گوشه‌ای از الطاف الهی در تحقق این آیه به آنها نشان داده شد و حزب الله لبنان و جنبش حماس توانستند در جنگ‌های ۲۲ و ۲۳ روزه سیاست‌های سرکوب‌گرانه این رژیم غاصب را به شکست منتهی کنند، آنان نیز مشمول لطف الهی واقع گردیده و توانستند رژیم‌های مستبد حاکم بر جوامع خود، که به صورت همه جانبه از سوی قدرت‌های مادی عالم حمایت می‌شدند را با شکست مواجه سازند. این وجه از بیداری اسلامی که به تعبیر امام خامنه‌ای (مد ظله) بیانگر ضد استکباری و ضد صهیونیستی بودن قیام‌های اخیر در جوامع اسلامی است نیز در تناسب با مضمون آیات شریفه قرآن کریم در توصیف قیام جهانی امام عصر «عج» است.

۶-۶. مدل مفهومی



۷. نتیجه گیری

با استناد به آموزه‌های مذهبی دین اسلام و دلایل عقلی و منطقی، نظریه جهانی شدن به معنای استیلای ستمگرانه یک فرهنگ و سیاست غالب مادی گرایانه بر کل جهان مردود است. از سویی حکومت جهانی صالحان و مستضعفان جزء وعده‌های الهی است و با توجه به آیات و روایات فراوان این وعده با ظهور امام زمان «عج» محقق خواهد شد.

جهانی شدن مهدوی اختصاص به شیخ نداشته و هر عقل سلیم و هر فطرت پاک و جان آزاده‌ای می‌تواند حلاوت و زیبایی باور و ایمان به پدیده جهانی شدن به شیوه مهدوی را به دلایل متعددی از جمله تحقق وعده‌های الهی و تأیید رحمانیت خداوند، همگرایی و پیروی از فلسفه انبیاء، همسویی با اصل عدالت‌محوری، ایجاد نشاط و امید به فرجام نیکوی جهان در جوامع انسانی، به وجود آوردن حالت انتظاری پویا و سازنده در جهت ایجاد آمادگی برای حضور در عصر ظهور، مطابقت داشتن با فطرت انسانی و... را با تمام وجود احساس نموده و از منتظران واقعی آن منجی بزرگ عالم بشریت گردد.

بنا به نظر متخصصان این حوزه، لازمه عصر ظهور طی شدن قواعد طبیعی در کنار عنایات خاص الهی است. آنچه در این جا قابل ذکر است این است که از یک سو، وقوع انقلاب در کشورهای منطقه عربی حکایت از شرایط و ویژگی‌های خاص سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر این کشورها دارد. در بعد مسائل مربوط به حکومت، عواملی چون وجود رژیم‌های دیکتاتوری، وابستگی حکام به استکبار، عدم احساس مسئولیت در قبال مسأله فلسطین و عوامل اقتصادی به اتفاق در تمامی کشورهای هدف دخالت داشتند. از سوی دیگر ویژگی‌ها و شرایطی برای حکومت جهانی امام عصر «عج» ذکر شده که در برخی وجوه با شرایط فعلی جهان و به ویژه کشورهای انقلابی تطابق دارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به اسلام‌گرایی، خدامحوری، وحدت‌طلبی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی اشاره کرد. این تناسب و تطابق می‌تواند بارقه‌ای از امید را در دل مشتاقان مکتب وحی و نبوت ایجاد نموده و گام‌های آنان را در صراط مستقیم استوارتر و عزم آنها را راسخ‌تر نماید.

فهرست منابع

۱. سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، «khamenei.ir».
۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری؛ «www.Leader.ir».
۳. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۰). نظام بین‌الملل، بازدارندگی و همپایگی استراتژی، تهران: قومس.
۴. اسداللهی، مسعود (۱۳۹۰). سخنرانی در مورد «تحولات اخیر منطقه عربی»، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده امنیت ملی، ۱۳۹۰/۴/۲۱.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). «انقلاب رنگی؛ طراحی چارچوب تحلیلی در انقلاب رنگی و نظام جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل‌ها و تخمین‌ها»، به اهتمام فرزاد پورسعید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. آکسفورد، باری (۱۳۷۸). نظام جهانی؛ سیاست و فرهنگ، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. الصبان، محمد بن علی (۱۳۹۸ق). اسعاف الراغبین، بیروت.
۸. امینان، بهادر (۱۳۸۳). «آمریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸، سال دوازدهم، شماره ۴، تهران: پاییز.
۹. بشیریه، حسین (۱۳۸۳). انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. بشیریه، حسین (۱۳۸۷). گذار به مردم‌سالاری؛ گفتارهای نظری، تهران: نگاه معاصر.
۱۱. پورتال اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران «http://iccim.ir»، ۱۳۹۰/۳/۳۰.
۱۲. پورقیومی، ایوب (۱۳۸۶). «طرح خاورمیانه جدید؛ اهداف، چالش‌ها و موانع»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۶۱، سال شانزدهم، شماره ۱، زمستان.
۱۳. پورقیومی، ایوب (۱۳۸۹). تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا، قم: اعتدال.
۱۴. جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش دوم خرداد، تهران: طرح نو.
۱۵. حاجیانی، ابراهیم و حیدری، مهدی (۱۳۸۷). «تحلیل مقایسه‌ای انقلاب‌های مخملی با توجه به شش جمهوری شوروی سابق»، مجله دانش سیاسی، سال چهارم، شماره اول بهار و تابستان.

۱۶. حسینی، حسین (۱۳۸۸). «جنگ نرم؛ از تهدید تا پاسخ»، فصلنامه مدیریت بحران، سال اول، شماره ۳ و ۴، بهار و تابستان و سایت «www.swar.ir».
۱۷. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵). «شهر خدا؛ جهانی شدن و مهدویت»، ترجمه فریبا رضوی، مجله خردنامه همشهری، شهریور، شماره ۶.
۱۸. الحویزی، عبدعلی بن جمعه العروسی (بی تا)، تفسیر نورالثقلین، تصحیح: رسولی محلاتی، ج ۳، قم: انتشارات علمیه.
۱۹. رایان روکس، بروف (۱۳۶۹). نظریه‌های توسعه نیافتگی، ترجمه: علی هاشمی گیلانی، تهران: نشر سفیر.
۲۰. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰). پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرننگ، تهران: آگاه.
۲۱. زروندی، مهدی (۱۳۸۲). «گزارش همایش پژوهشی جنگ سلطه و نظام بین‌الملل»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۲، سال یازدهم، شماره ۲، تهران: بهار.
۲۲. سایت موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی ایران و آفریقا (آفران)، «www.afiran.ir»، ۱۳۹۰/۳/۳۰.
۲۳. سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۳). جهانی شدن و مهدویت، دو نگاه به آینده، مجله قبسات، پاییز، شماره ۳۳.
۲۴. سوزنجی، حسین (۱۳۸۳). «مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری»، مجله قبسات، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۳۳.
۲۵. الشبلنجی، مؤمن حسن مؤمن (۱۴۰۵ق). نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، بیروت: الدار العالمیه.
۲۶. شکیبایی، مهدی (۱۳۸۹). «ظهور قدرت جدید حول محور مقاومت»، مصاحبه با خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹/۱/۹.
۲۷. شیخ مفید (۱۳۷۸). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. شیرودی، مرتضی (۱۳۸۲). «سیمای جهانی شدن اسلامی»، مجله رواق اندیشه، بهمن، شماره ۲۶.

۲۹. صافی گلپایگانی، شیخ لطف الله (بی تا). منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، تهران: کتابخانه صدر.
۳۰. صفوی، سیدسلیمان (۱۳۸۹). «تحلیل عوامل سقوط مبارک»، قابل دسترسی در سایت دیپلماسی ایرانی: (irdiplomasy.ir)، سال ۱۳۸۹، ۲۹ بهمن.
۳۱. طالبیان، سید محمدرضا (۱۳۸۴). «مهدویت و جهانی سازی»، مجله معرفت» خرداد، شماره ۹۰.
۳۲. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۵). نشانه‌هایی از دولت موعود، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۳۳. فیروزآبادی، سید حسن (۱۳۸۶). «آینده نگاری راهبردی در دکتربین مهدویت»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال ۹، شماره ۳۱ و ۳۲، دانشگاه عالی دفاع ملی، زمستان و بهار ۱۳۸۷.
۳۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی، ج ۱، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران: انتشارات ولی عصر.
۳۵. لاریجانی، محمد جواد (۱۳۸۶). «نگاهی بر دکتربین ام‌القری و جایگاه آن در سیاست خارجی ایران»، روزنامه رسالت، شماره ۶۱۳۱، ۸/۲/۸۶، صفحه ۸ (رسالت دیپلماتیک).
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳). بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۴۱۶ق). میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
۳۸. مرادزاده، علی (۱۳۸۹). «جمهوری اسلامی ایران و نظام جهانی»، فصلنامه میثاق بسیج متخصصین، سال ۳، شماره ۱۰، تابستان.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). تکامل اجتماعی انسان، به ضمیمه هدف زندگی، تهران: صدرا.
۴۰. میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۳). «دکتربین جامعه مهدوی»، ماهنامه پرسمان، آبان، شماره ۲۶.
۴۱. نبوی، سیدعبدالامیر (۱۳۹۰). «عوامل تحولات کشورهای عربی»، سخنرانی در همایش هم‌اندیشی موج بیداری اسلامی، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، سال ۱۳۹۰، ۹ خرداد.
۴۲. نویسندگان (۱۳۸۰). گفتمان مهدویت، قم: مؤسسه فرهنگی انتظار نور.

۴۳. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۱). موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه: احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.

۴۴. هانی زاده، حسن (۱۳۸۹). «مصر و انقلاب آزادی خواهان»، قابل دسترسی در پایگاه اطلاع رسانی جهان اسلام، سال ۱۳۸۹، ۱۴ بهمن: www.asnoor.ir.

45. Beissinger, Mark (2007). "Structure and Example in Modular Political Phenomena: The Diffusion of Bulldozer/ Rose/ Orange/ Tulip Revolutions", Journal of Democracy, No. 2, Vol. 5.
46. Goldstone, Jack (1982). "The Comparitive and historical Study of Revolutions", Annual review of Sociology, Vol. 8.
47. McFaul, Michael, (2007). "Ukraine Imports Democracy. External Influences on the Orange Revolution", International Security, No. 2.

Archive of SID